

Reviewing Quranic Thoughts Reflected in Imam Khomeini's Poetry with an Approach based on Implied Intertextuality¹

Seyyed Hossein Mousavi²
Shamsolhajiyyeh Ardalani³
Seyyed Jafar Hamidi⁴

Research Paper

Abstract

Intertextuality is a method of convergence of texts based on interdependent ways in which texts stand in relation to one another, where the meaning of one text is shaped or influenced by its relationship with other texts. In other words, intertextuality refers to taking influence from previous texts to influence the next texts. According to Gerard Genette, in its brief definition, intertextuality is the simultaneous occurrence of two texts in each other. His definition of intertextuality falls into three levels: a very clear level or quotation, less clear level or plagiarism and least clear or implied level or allusion. Allusion implies such concepts as allegory and metaphor, without its hints it is impossible to fully understand a text. This work is a qualitative research work developed through a descriptive-analytical method and based on library documents meant to clarify implied intertextual clarification of the Holy Quran in Imam Khomeini's poetry. Therefore, we have reviewed those poems by Imam Khomeini that, according to Genette's classification of intertextuality, they have an implied intertextual relationship with the words of the Holy Book. Findings of the paper indicate a broad-based relationship between Imam Khomeini's poetry and the verses of the Holy Quran.

Keywords: Holy Quran, Imam Khomeini, intertextuality, Gerard Genette, allusion, implied intertextuality

1. DOI: 10.22034/MATIN.2021.288619.1888

DOR: 20.1001.1.24236462.1401.24.97.7.0

2. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Boushehr Branch, Islamic Azad University, Boushehr, Iran, Email: amirmahda@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Boushehr Branch, Islamic Azad University, Boushehr, Iran, (Corresponding author), Email: ardalani_sh@yahoo.com

4. Professor, Department of Persian Language and Literature, Boushehr Branch, Islamic Azad University, Boushehr, Iran, Email: Dr.j.hamidi1315@gmail.com

اندیشه‌های قرآنی انعکاس یافته در شعر امام خمینی (ره) با رویکرد بینامتنیت ضمنی^۱

سیدحسین موسوی^۲

شمس الحاجیه اردلانی^۳

سیدجعفر حمیدی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده: بینامتنیت روش هم‌گرایی متون بر مبنای تأثیر بر یکدیگر و شکل‌گیری معنای متن به وسیله متون دیگر است. به عبارت دیگر، بینامتنیت، روش تأثیرپذیری از متون قبل و تأثیرگذاری بر متون بعد است. ژنت بینامتنیت را در مفهوم محدود، حضور هم‌زمان متنی در متن دیگر به کار برده و تعریف وی از بینامتنیت در سه سطح است: سطح خیلی آشکار یا همان نقل قول، سطح کمتر آشکار و پنهان شده ارتباط دو متن و سطحی با کمترین وضوح که ضمنی است و در آن اشاره پنهانی متنی به متن دیگر مورد نظر است و شامل کنایات، استعارات و تلمیحات می‌باشد؛ به گونه‌ای که درک کامل متن، بدون فهم اشارات آن امکان‌پذیر نباشد. پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای با هدف تبیین بینامتنی ضمنی قرآن در اشعار امام خمینی است؛ لذا به واکاوی آن دسته از اشعار امام خمینی که بر اساس سطح بندی بینامتنی ژنت رابطه بینامتنی ضمنی با کلام الهی دارند پرداخته شده است. نیز یافته‌های این پژوهش بیان‌کننده ارتباط وسیع شعر امام خمینی با آیات قرآن کریم است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، امام خمینی، بینامتنیت، ژن‌ژنت، تلمیح، بینامتنیت ضمنی.

1. DOI: 10.22034/MATIN.2021.288619.1888

DOR: 20.1001.1.24236462.1401.24.97.7.0

۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
E-mail: amirmahda@gmail.com.

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول).
E-mail: ardalani_sh@yahoo.com

۴. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
E-mail: Dr.j.hamidi1315@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۵

پژوهشنامه متین / سال بیست و چهار / شماره نود و هفت / زمستان ۱۴۰۱ / صص ۸۳-۵۵

مقدمه

در گستره عالم خلقت، موضوعات و مباحث بسیاری وجود دارند که از جهت ساختاری و درونی، به هم رابطه و پیوستگی معنا و مفهومی دارند. این پیوستگی و درهم تنیدگی حاصل افکار و اندیشه‌های انسانی و چه بسا فراتر، صورتی از معنای ذاتی و الهی الهام شده از عالم معنا و حقیقت است که بر علوم مرسوم بر جوامع سایه دارد.

از سوی دیگر، پرداختن به نظریه‌ها به ویژه نظریه‌های تثبیت شده و ترویج یافته در جهان از اهمیت بسزایی برخوردار است. از جمله نظریه‌های مطرح در جهان، بینامتنیت^۱ است که در زمینه ارتباط متن‌ها نگرش نوینی ارائه داده، به تعامل میان متنی پرداخته و شکل‌گیری معنای متن به وسیله متون دیگر را مورد توجه قرار می‌دهد. همواره در اعصار و ازمنه، متن‌ها در یک ارتباط نامحسوس با هم ایجاد می‌شدند و با تأثیر بر یکدیگر به کار می‌رفتند، لیکن توجه هیچ کس به طور جدی به این موضوع معطوف نشده بود تا این که «ژولیا کریستوا»، بانوی فیلسوف، روانکاو و رمان نویس بلغاری، یکی از مهم‌ترین نظریات ادبی - فلسفی قرن بیستم را طرح کرد. بعدها صاحب نظرانی چون «ژرار ژنت»^۲ - نظریه پرداز ادبی و نشانه شناس فرانسوی - این نظریه را متحول و با شکلی جدید معرفی کردند. بر اساس این نظریه، متن‌های حاضر برگرفته از متن‌های پیشین هستند و البته فراروی متن‌های پسین قرار دارند و در کل می‌توان گفت هر متن میدان‌گاه متن‌های دیگر است.

از امام خمینی مجموعه‌ای از غزلیات، رباعیات، قصاید، مسمطها و دوبیتی‌های عرفانی به جا مانده که در دیوان شعر ایشان به چاپ رسیده است. هر چند در مقدمه دیوان نیز بر اساس گفته ایشان اذعان گردیده که وی هرگز سر شعر و شاعری نداشته و خود را به این پیشه سرگرم نساخته، لیکن ایشان شرح درد مهجوری را در قالب الفاظ و کلمات موزون بیان نموده است. حال آن‌چه شاخصه شعر امام است بهره‌گیری ایشان به شیوه‌های گوناگون از مضامین عالی قرآنی و الفاظ الهی است که از لحاظ معنوی موجب غنای شعری ایشان گردیده است. در دیوان وی تجلی واژگانی، اقتباسی، تلمیحی، تحلیلی، تمثیلی و تأویلی

-
1. Intertextuality.
 2. Gerard Genette.

از الفاظ الهی آشکار است. در این مقاله کوشش شده است بینامتنی ضمنی با نگاه به زیر بخش تلمیحی این شاخص از تقسیم بندی «ژراژ ژنت»، از قرآن در کلام امام خمینی واکاوی شود.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی با موضوع بینامتنی در آثار ادب پارسی و از جمله دیوان امام خمینی انجام شده، که پژوهش‌های زیر اشاراتی نزدیک به این موضوع دارند:

- مهدی سلطانی رنانی (۱۳۸۸)، مقاله‌ای با عنوان «تجلیات معارف قرآنی در دیوان اشعار امام خمینی» به رشته تحریر درآورده است. وی دریافته است که امام خمینی عارفی است که در سلوک خود به مقصد اعلی و غایت قصوی رسیده و برهان و عرفان و قرآن را یک‌جا دریافته است.

- ابوالفضل حبیبی (۱۳۸۷)، مقاله‌ای با عنوان «بررسی دیوان اشعار امام خمینی^(ع) و تحلیل تلمیحات آن» نگاشته است. در این نوشتار برخی از اشعار امام خمینی با تکیه بر تلمیح به آیات و احادیث استخراج و نقد و واکاوی شده است.

وجه افتراق این مقاله با دو پژوهش قید شده در این است که پژوهش‌های مزبور به تجلی معارف قرآنی و تحلیل تلمیحات در شعر امام خمینی پرداخته اند، لیکن نگارنده با معیار یک نظریه بین المللی هم‌حضور و بینامتنیت اشعار امام خمینی با آیات قرآن را مورد واکاوی و بررسی قرار داده است. بر این مصداق هر نوع نگاه و نگرش تازه به آثار بزرگان ادبی و دینی و جهان شمول نمودن آن آثار می‌تواند معرف فرهنگ پر بار اسلامی - ایرانی در منظر جهانی باشد.

روش تحقیق

فضای این پژوهش نظری است و از روش توصیفی - تحلیلی برخوردار است که با رویکرد بینامتنیت ضمنی، اشعار امام خمینی را با ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی مورد بررسی قرار داده است. در تهیه مطالب و در راستای تدوین و تکمیل این مقاله، کتاب‌ها و درگاه‌های اینترنتی و البته پژوهش‌های مرتبط و مشابه مدنظر قرار گرفته‌اند.

در ارائه نمونه‌های شعری امام خمینی، سعی شده است تمام ابیاتی که در موضوع بینامتنیت ضمنی قرآنی قرار گرفته‌اند، از دیوان امام خمینی استخراج و به عنوان نمونه در مقاله قید گردد.

بینامتنیت و رویکرد تحولی آن

یکی از نظریه‌هایی که در قرن بیستم باعث دگرگونی و تأمل در متون گردید نظریه «بینامتنیت» است. «در قرن بیستم یولیا کریستوا، بانوی مهاجری از بلغارستان در سرزمین فرانسه، با کوله باری از دستاوردهای اروپای شرقی و بهره‌گیری از فضای فکری و فرهنگی اروپای غربی به این مهم دست یافت [و نظریه بینامتنیت را طرح و رنگ و روی جهان‌شمولی به آن بخشید]» (نامور مطلق ۱۳۹۴: ۱۲). هر چند نظریه بینامتنیت به نام خانم کریستوا ثبت شد و اشتهار یافت لیکن این نظریه تنها حاصل افکار و اندیشه‌های او نبود و این نظریه بر اساس پیش نظریه‌ها و تفکرات برخی دیگر جامعیت یافت. «گذشته از میخائیل باختین به عنوان شاخص‌ترین چهره پیشابینامتنیت، می‌توان از فرمالیست‌های روسی، مکتب پراگ، مکتب کپنهاک و بسیاری از گرایش‌ها و جریان‌های نظری به ویژه در حوزه مطالعات ادبی و هنری به عنوان ریشه‌ها و پیش‌متن‌های بینامتنیت یاد کرد» (نامور مطلق ۱۳۹۴: ۱۳-۱۲).

با وجود این، اصطلاح بینامتنیت را نخستین بار خانم کریستوا مطرح کرد. بنا به نظر آلن «اصطلاح بینامتنیت نخست بار در زبان فرانسه و در آثار اولیه ژولیا کریستوا از اواسط تا اواخر دهه شصت [میلادی] مطرح شد» (آلن ۱۳۹۷: ۳۰). این نظریه به رابطه متون می‌پردازد و تأثیر متون را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اصل «بینامتنیت روشی است برای تفسیر متون بر مبنای تأثیر متون بر یکدیگر» (جمشیدیان ۱۳۹۳: ۲۸).

پس از ارائه گسترده نظریه بینامتنیت، صاحب نظران بسیاری پا به عرصه گذاشتند و هر کدام این نظریه را دچار تغییر و دگرگونی نمودند. از جمله این اندیشمندان «ژرار ژنت» نویسنده و نشانه‌شناس شهیر فرانسوی بود که این نظریه را با رویکردی جدید و فراتر ارائه داد. او «ترامنتیت» را با پنج شاخه مطرح نمود که بینامتنیت یکی از آن پنج شاخه است. وی در خصوص سه موضوع زیر مجموعه ترامنتیت کتاب‌هایی را قلم زد لیکن در خصوص دو موضوع آن که از جمله یکی بینامتنیت است کتابی به رشته تحریر در نیاورد. «متأسفانه ژنت بر خلاف بیش‌متنیت، مقاله و نوشتاری را به بینامتنیت اختصاص نداده و از

این جهت محققان را دچار مشکل کرده است. او به اشاره‌ای در مورد بینامتنیت در کتاب الواح بازنوشتی بسنده کرده است» (نامور مطلق ۱۳۹۵: ۳۳).

حال، هر چند ژنت در خصوص بینامتنیت کتاب مستقلی نوشته است و این شاخه را در نوشته‌های پراکنده باید جستجو کرد لیکن از دید او بینامتنیت جایگاه خاص خود را دارد. «نخستین نوع فرامتنیت^۱ از دیدگاه ژنت، بینامتنیت است. او بینامتنیت را در مفهومی محدود، یعنی حضور همزمان متنی در متن دیگر به کار برده است» (کرمی و دیگران ۱۳۹۲: ۳۹). نامور مطلق در مقاله «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، بینامتنیت از دید ژنت را سه گونه: الف) بینامتنیت صریح و اعلام شده؛ ب) بینامتنیت غیر صریح و پنهان شده؛ ج) بینامتنیت ضمنی که کنایات، اشارات و تلمیحات از مهم‌ترین اشکال آن است، بیان کرده‌اند (ر.ک. به: نامور مطلق ۱۳۸۶: ۸۹-۸۸).

در این پژوهش علاوه بر بینامتنیت که در قبل به آن پرداخته شد، دو عنصر دیگر: الف) شعر امام خمینی و ب) قرآن نیز مورد توجه ویژه هستند.

شعر، برون‌ریز اندیشه‌های درونی سراینده آن و حامل و معرف اندیشه و درک شاعر از جهان هستی است. در ادبیات پارسی می‌توان گفت که بیشتر شاعران در اشعار خود نگاه‌هایی به قرآن کریم که کلام فصل الخطابی الهی است داشته‌اند. «در این که در طول تاریخ زبان و ادبیات فارسی همه شاعران تحت تأثیر قرآن مجید بوده‌اند هیچ حرفی نیست، فقط توجه آن‌ها به قرآن شدت و ضعف دارد» (آذر ۱۳۹۴ ج ۱: پنج).

در این میان یکی از انسان‌هایی که نه به عنوان شاعر، بلکه یک عارف نگاه ویژه به قرآن مجید در اشعار خود داشته است، امام خمینی است. وی به خوبی عناصر و داستان‌های قرآنی را با رویکردهای متفاوت مورد التفات قرار داده و شعر خود را مزین و متبرک به الفاظ و داستان‌های قرآنی نموده است.

از آنجا که رویکرد این مقاله بر بینامتنیت ضمنی است و تلمیح از مؤلفه‌های مهم به

۱. اصطلاح فرامتنیت را که برگردان واژه بیگانه Transtextuality است پیام یزدانجو، مترجم کتاب بینامتنیت نوشته گراهام آلن به کار برده است که این واژه توسط دیگران به ترامتنیت ترجمه شده است. وی واژه Metatextuality را که دیگران به معنی فرامتنیت نام برده‌اند «ورامتنیت» نام نهاده است.

شمار می‌رود؛ لذا مبنای پژوهش، بینامتنیت ضمنی با تکیه بر تلمیح است.

بحث

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، بینامتنیت طرح شده خانم کریستوا، را ژراژ ژنت توسعه داد و دگرگونی‌هایی در آن ایجاد نمود. ژنت بینامتنیت را سه‌گونه می‌داند: ۱. بینامتنیت صریح و اعلام شده؛ ۲. بینامتنیت غیر صریح و پنهان شده و ۳. بینامتنیت ضمنی شامل: کنایات، اشارات و تلمیحات.

در تلمیح فهم کامل یک متن، دانش خاص خواننده و آگاهی او از موضوعات درون متن نیاز است که بدون درک آن‌ها، متن معنا نخواهد داشت. «[به واقع تلمیح] در اصطلاح بدیع از جمله آرایه‌های درونی است که به موجب آن در خلال سخن به آیه‌ای شریف و حدیثی معروف یا داستان و واقعه یا مثل و شعری مشهور چنان اشاره شود که کلام با الفاظی اندک بر معانی بسیار دلالت کند» (داد ۱۳۹۵: ۱۶۳).

تلمیح حداقل اشاره و انتقال بیشترین معنا به خواننده است «[و] در اصطلاح ادب آن است که گوینده در کلام خود به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی اشاره کند. این صنعت را تلمیح نیز گفته‌اند، یعنی آوردن مثلی نمکین و ملیح در کلام» (بهزادی اندوهجودی ۱۳۷۳: ۹۱).

بینامتنیت ضمنی قرآن در شعر امام خمینی

در مبحث کلی بینامتنیت سه وجه مورد التفات قرار می‌گیرد: الف) متن حاضر؛ ب) متن پیشین یا غائب و ج) روابط بینامتنی. متن حاضر همان متن حال است، متن پیشین یا غائب، متنی است که به آن اشاره مستقیم یا غیرمستقیم می‌شود و روابط بینامتنی توصیف و تشریح هم‌حضور و بینامتنیت دو متن قبل است.

در این مقاله، متن حاضر: دیوان امام خمینی است که رابطه بینامتنی آن با قرآن مورد توجه قرار می‌گیرد. متن پیشین: قرآن کریم، کتاب مقدس مسلمانان است که امام خمینی اشعار خود را اغلب با تأسی از این متن سروده است و روابط بینامتنی: تعامل و هم‌حضور دو متن حاضر و پیشین را مورد تحلیل و تفسیر قرار داده است.

ابراهیم^(ع) و مواجهه آن حضرت با مشرکان

متن حاضر:

۱. آتشی را که زعشش به دل و جانم زد جانم از خویش گذر کرد و خلیل آسا شد
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۸۸)
۲. ساقی از جام جهان تاب به جان عاشق آنچه با جان خلیل آتش نمرود نمود
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۱۴)
۳. در آتش عشق تو خلیلانه خزیدیم در مسلخ عشاق تو فرزانه و فردیدم
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۶۳)
۴. زد خلیل عالم چون شمس و قمر را به کنار جلوۀ دوست نباشد چو من و آفل من
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۷۴)
۵. ای دور نمای پُـر آزر نادیده افول حق ز منظر
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۹۰)
۶. ای نار فراق بر تو گلشن شد بُرد و سلام از تو آذر
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۹۰)
۷. با عشق رخت خلیل را ناری نیست جویای تو با فرشته اش کاری نیست
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۳۱۳)

متن پیشین:

- «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ» (انعام: ۷۶).
پس چون شب بر او پرده افکند، ستاره‌ای دید؛ گفت: «این پروردگار من است.» و
آنگاه چون غروب کرد، گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم.»
- «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (انبیاء: ۶۹)
- گفتیم: «ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش.»

روابط بینامتنی: این ابیات رابطه هم‌حضور و بینامتنیت به آیات ۷۴ تا ۸۳ سوره انعام دارند. بر اساس آیات قرآنی، ابراهیم در مواجهه با بت‌پرستان (ستاره، ماه و خورشید پرستان) ابتدا با بهره‌گیری از روش همراهی و موافقت، با آنان زبان به ستایش ستارگان، ماه و خورشید

گشوده است، سپس هنگام افول ستارگان بیان داشت که من غروب کنندگان را دوست ندارم (انعام: ۷۶)، هنگام غروب ماه ابراز داشت که یقیناً اگر پروردگارم مرا هدایت نکند بدون شک از گروه گمراهان خواهم بود (انعام: ۷۷)، و هنگام غروب خورشید لب را گشود و گفت: ای قوم من! بی تردید من از آنچه شریک خدا قرار می‌دهید بیزارم (انعام: ۷۸).

ابراهیم^(ع) پس از ارشاد قوم خود که فرجامی موفق نداشت، سرانجام با پشتوانه و پیام حق به ستیز با ایشان پرداخت، اما آنان برتافتند و او را پس از محاکمه درون آتش انداختند. اگرچه به لطف پروردگار، آتش بر ابراهیم سرد (انبیاء: ۶۹) و حضرت، سالم از آتش رهایی یافت. بر اساس روایات، پادشاه زمان وی نمرود بن کنعان بود که در حق ابراهیم این جفا را روا داشت. در خصوص محاجه ابراهیم خلیل و نمرود در آیه ۲۵۸ سوره بقره نیز صحبت به میان آمده است. در ابیات امام خمینی از عناصری چون: آتش، عشق، دل، جان، خلیل، ساقی، جام جهان تاب، نمرود، شمس، قمر، جلوه دوست، پور آزر، حق، برد و سلام یاد شده که این عناصر ارکان داستان ابراهیم خلیل و مشرکین را در بر می‌گیرند. همچنین در بیت چهارم از واژه آفل استفاده شده که گویای اندیشه‌ی والای ابراهیم است که دوستی با افول کنندگان را بر نمی‌تابد (لَا أُحِبُّ الْآفَلِينَ) (انعام: ۷۶).

بیت هفتم رابطه غیر صریح و پنهانی دارد با موضوع مرادده جبرائیل هنگام پرتاب شدن ایشان به سوی آتش. «گفته شده وقتی منجیق پرتاب شد، جبرئیل، ابراهیم^(ع) را در هوا ملاقات کرد و گفت: ای ابراهیم! آیا خواسته‌ای نداری؟ ابراهیم^(ع) گفت: خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد پیامبر خدای متعال است و من او را پشت و پناه خود قرار می‌دهم و به او تکیه می‌کنم و کار خود را به او واگذار می‌کنم» (جزایری ۱۳۹۶: ۱۹۹). این به معنای آن است که تکیه ابراهیم^(ع) فقط به پروردگار بکتا است و حتی حاضر نیست برای نجات خود به فرشته مقرب خدا نیز متوسل شود.

اعتراض فرشتگان به خلقت انسان

متن حاضر:

۱. گر تو آدم زاده هستی، علم الاسما چه شد قاب قوسینت کجارقته است، آوآدنی چه شد

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۹۴)

۲. قدسیان را نرسد تا که به ما فخر کنند قصه عَلمَ الاسماء به زبان است هنوز
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۲۷)

۳. زاده اسماء را با جنت المأوی چه کاری در چم فردوس می ماندم اگر شیطان نبودی
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۸۰)

متن پیشین:

- «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۳۱).

- و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت؛ سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: «اگر راست می‌گویید، از اسامی اینها به من خبر دهید.»

- «قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (بقره: ۳۲).

- گفتند: «منزهی تو! ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نیست؛ تویی دانای حکیم.»

روابط بینامتنی: علاوه بر آیات بالا، این ابیات رابطه بینامتنی و هم‌حضور با آیه ۳۳ بقره، آیات ۹ و ۱۵ نجم و آیه ۱ اسراء دارند. روایت اعتراض فرشتگان و ابلیس در خصوص خلقت و توجه خداوند به انسان در اشعار امام با استناد بر قرآن کریم بیان شده است. بر اساس هر دو متن، خداوند اسرار و رموز آفرینش را به آدم آموزش داد تا با این کار راه اعتراض را بر فرشتگان مسدود و برتری آدم را محسوس نماید. سپس انسان، فرشتگان را به مبارزه بطلبد تا حکمت و حقیقت وجودی اراده خداوندی را در خلقت آدم بر فرشتگان آشکار نماید. بنا به گفته قرائتی: «ابلیس و ملائکه هرکدام به نوعی خود را برتر از آدم می‌دیدند. ابلیس به واسطه خلقت و فرشتگان به واسطه عبادت؛ اما ابلیس در برابر فرمان سجده خداوند ایستادگی کرد ولی فرشتگان چون حقیقت را فهمیدند، پوزش خواستند و به جهل خود اقرار کردند» (قرائتی ۱۳۹۷ ج ۱: ۹۳).

در مصرع دوم بیت اول امام، بینامتنی غیر صریح در خصوص موضوع معراج پیامبر^(ص) نیز دیده می‌شود که آیه اول سوره اسراء بارزترین توضیح را در این خصوص ارائه کرده است.

بار امانت الهی

متن حاضر:

۱. عارفان رخ تو جمله ظلومند و جهول این ظلومی و جهولی، سر و سودای من است

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۵۹)

۲. آنکه بشکست همه قید، ظلوم است و جهول و آنکه از خویش و همه کون و مکان غافل بود

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۰۴)

۳. کِشَم بار امانت با دلی زار امانت دار اسرارم تو باشی

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۸۱)

۴. پیر صاحبدل ماگفت از این رمز، خموش! هر دو عالم نکشد بار امانت بر دوش

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۸۱)

متن پیشین:

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۷۲).

- ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند، و [لی] انسان آن را برداشت؛ راستی او ستمگری نادان بود.

روابط بینامتنی: ساختار ابیات امام خمینی فشرده شده آیه ۷۲ احزاب و گویای آن است که خداوند به انسان مأموریتی امر کرده که پیش از آن بر آسمانها، زمین و کوهها عرضه داشته و لیکن آن‌ها از تحمل بار این مأموریت درماندند و اظهار عجز نمودند. به نظر می‌رسد خداوند وجود انسان را جهت حمل امانت شایسته می‌دانسته و به همین دلیل این امانت را که معرف صفات خداوندی بوده به وی واگذار کرده است. بنا به گفته نجم رازی «چون انسان مجموعه دو عالم روحانی و جسمانی بود او را به کرامت حمل امانت مکرم گردانیدند» (نجم رازی ۱۳۷۵: ۵۸).

موضوع امانت، موضوعی بس رازآلود، گسترده و بیان‌گر صلابت انسان است که دست‌مایه شعری دیگر شاعران نیز گردیده است.

۱. آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند

(حافظ ۱۳۹۰: ۱۲۴)

۲. من آن ظلوم جهولم که اولم گفתי چه خواهی از ضعفا ای کریم و از جهال

۳. مرا تحمل باری چگونه دست دهد که آسمان و زمین برتافتند و جبال

(سعدی ۱۳۷۳: ۸۲۱)

خضر راهبر صالحان در سختی‌ها

متن حاضر:

۱. چه شد که امشب از اینجا گذارگاه تو شد مگر که آه من خسته خضر راه تو شد

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۹۲)

۲. دستگیری کنم ای خضر! که در این ظلمات پی سرچشمه آب حیوان آمده‌ام

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۳۹)

متن پیشین:

- «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف: ۶۵).

- تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم.

همچنین آیات ۶۶ تا ۸۲ سوره کهف.

روابط بینامتنی: در قرآن به وضوح نامی از خضر به میان نیامده است؛ اما از آیه ۶۵ تا ۸۲

سوره کهف در خصوص شخصی دانا که با موسی^(ع) همراه شد و برخی رموز را برای وی

آشکار کرد، سخن گفته شده است. «خضر نام یکی از پیغمبران یا اولیاست. این نام در قرآن

نیامده است و تنها چیزی که هست وصف او به عبودیت و حصول علم لدنی است (کهف:

۶۵). خضر در بیابان هاست و گمشدگان را نجات می دهد، پیادگان و عقب افتادگان کاروان‌ها

را سوار می کند و به مقصد می رساند. به تشنگان و ماندگان آب می رساند» (حبیبی ۱۳۸۷: ۴۰).

خلقت انسان

متن حاضر:

۱. جز عشق تو هیچ نیست اندر دل ما عشق تو سرشته گشته اندر گل ما
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۴۴)
۲. لایق طوف حریم تو نبودیم اگر از چه رو پس ز محبت بسرشتی گل ما؟
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۴۵)
۳. حاش لله که جز این ره، ره دیگر پویم عشق روی تو سرشته به گل و آب من است
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۵۷)
۴. مهر کوی تو درآمیخته در خلقت ما عشق روی تو سرشته است به آب و گل من
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۷۴)
۵. با این تن خاکی ملکوتی نشوی ای دوست، تراب و رب الارباب کجا؟!
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۹۱)
۶. طوفان فراینده ای اندر دل ما است یارب ز چه خاکی بسرشتی گل من
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۳۴)

متن پیشین:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (حجر: ۲۶).

- و در حقیقت، انسان را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریدیم
همچنین در آیات ۲۸ و ۳۳ حجر، ۱۱۴ الرحمن، ۵۹ آل عمران، ۳۷ کهف، ۵ حج، ۲۰ روم، ۱۱ فاطر،
۶۷ غافر، ۲ انعام، ۱۲ مؤمنون، ۷ سجده، ۱۱ صافات و ۷۱ ص به این موضوع اشاره شده است.
قرآن کریم بارها به خلق انسان از گل اشاره نموده و هر بار با واژه های طین، تراب و
صلصال خلقت انسان را طرح می کند.

روابط بینامتنی: در ابیات امام خمینی داستان خلقت انسان و موضوعات میان خالق و مخلوق طرح شده است. در متن پیشین نیز هنگام خلقت، خداوند به فرشتگان مقرب خود فرمود به زمین فرود آمده، از هر گوشه از زمین خاک بگیرند و به حضور ربوبی برند تا از آن خاک، مخلوقی ساخته و خداوند اسرار و رموز الهی خود را بر ایشان بنمایاند تا

مأموریت‌هایی را به وی محول نماید. داستان خلقت انسان و مأموریت به فرشتگان مقرب برای رفتن به زمین و برگرفتن خاک برای خلق انسان، از موضوعات پر رمز و رازی است که مورد التفات شاعران و نویسندگان قرار گرفته است.

۱. دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمانہ زدند

(حافظ ۱۳۹۰: ۱۲۴)

«عزرائیل بیامد و به قهر یک قبضه خاک از روی زمین برگرفت. در روایت می‌آید که از جمله روی زمین به مقدار چهل ارش خاک برداشته بود. بیاورد آن خاک را میان مکه و طائف فرو کرد. عشق‌حالی دو اسبه می‌آمد» (نجم رازی ۱۳۷۵: ۶۶).

داود(ع)؛ فضیلت یافته از جانب حق

متن حاضر:

۱. بلبل از جلوه گل نغمه داود نمود نغمه‌اش درد دل غمزده بهبود نمود

(امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۱۴)

۲. داود وار، نغمه زنان ساغری بیار غافل ز درد جاه و نشیب فراز کن

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۷۱)

متن پیشین:

- «و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِمَّا فَضَّلْنَا يَا جِبَالُ أُوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَ أَلْنَا لَهُ الْأَلْحَدِيدَ» (سبأ: ۱۰).

- و به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم. [و گفتیم: ای کوهها، با او [در تسبیح خدا] همصدا شوید، و ای پرندگان [هماهنگی کنید]. و آهن را برای او نرم گردانیدیم.

روابط بینامتنی: در آیات امام خمینی موضوع خوش صدایی داوود^(ع) که مبنای بهبودی و فراموشی مصائب است مطرح شده است. خداوند در آیه ۱۰ سوره سبأ، تسبیح‌گویی داوود و همراه شدن کوه‌ها و پرندگان با او را فضیلتی از جانب خود به داوود می‌داند. حضرت داوود یکی از پیامبران خداست که کتاب وی زبور است که این موضوع به صراحت در آیات ۱۶۳ نساء و ۵۵ اسراء به آن اشاره شده است.

روز الست (میثاق الهی)**متن حاضر:**

۱. عشق جانان، ریشه دارد در دل از روز الست عشق را انجام نبود، چون ورا آغاز نیست

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۶۵)

۲. این پریشان حالی از جام بلی نوشیده ام این بلی تا وصل دلبر، بی بلا دمساز نیست

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۶۵)

۳. دل درویش به دست آر که از سر الست پرده برداشته آگاه ز تقدیرم کرد

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۸۳)

۴. هشیاری من بگیر و مستم بنما سرمست زیاده الستم بنما

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۹۲)

متن پیشین:

- «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ سَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۷۲).

- و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبدا روز قیامت بگویند ما از این [امر] غافل بودیم.

روابط بینامتنی: اقرار انسان در روز نخست و اعتراف او به ربوبیت خداوند و عبودیت مد نظر امام خمینی است. هم چنان که به استناد متن پیشین (اعراف: ۱۷۲) خداوند روز الست، حجت را بر بشر تمام کرد تا در روز پسین بهانه‌ای برای تقصیرهای خود نداشته باشد؛ بنابراین بر پایه این نظر، مفاد آیه چنین است: ما در موطنی از همه بنی آدم بر ربوبیت خدا و عبودیت آنان پیمان گرفتیم و همه با زبان فطرت «بلی» گفتند و اقرار کردند. با غبار رویی از فطرت می توان این نشئه و صحنه میثاق گیری و پیمان سپاری را به یاد آورد. به هر روی، خدای سبحان در موطن یاد شده از همگان پیمان گرفته و برای ضرورت آن پیمان گیری چنین دلیل آورده است: تا در قیامت احتجاج نکند و نگوید ما غافل بودیم؛ یا در محیط بد تربیت شدیم (جوادی آملی ۱۳۹۲ ج ۳۱: ۲۸).

در ابیات امام خمینی تجلی عشق و سرمستی نوشیدن شراب ازلی از باده الست هویداست. از همان زمان که خداوند آدم را آفرید عشق را که یکی از زیباترین تجلیات حق است و آغاز و پایانی ندارد، در وجود انسان به ودیعه نهاد تا با این حس، انسان در اعتراف به ربوبیت خداوند با تمام وجود بلی بگوید. مقصود این ابیات دیرینگی و خلود عشق است و این که عشق ریشه در آغاز آفرینش دارد.

سلیمان و قدرت بی بدیل او

متن حاضر:

۱. گر سلیمان بر غم مور ضعیفی رحمت آرد در بر صاحب‌دلان، والای و سرافراز گردد

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۷۶)

۲. بساط چون تو سلیمان و کلبه درویش نعوذ بالله گویی زاشتباه تو شد

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۹۲)

۳. بلقیس وار گر در عشقش نمی زدیم ما را به بارگاه سلیمان گذر نبود

(امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۰۷)

۴. نارندم آر بخواهم کاین شب سحر شود باشد اگر به تخت سلیمانم جلوس

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۲۸)

۵. سخن زتخت سلیمان و جام جم نزنید که تاج خسرو کی را من گدا دارم

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۴۸)

۶. طوطی صفتی و لاف عرفان بزنی ای مور دم از تخت سلیمان بزنی

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۴۷)

متن پیشین:

- «و حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» (نمل: ۱۷)

- و برای سلیمان سپاهیان از جن و انس و پرندگان جمع آوری شدند و [برای رژه] دسته دسته گردیدند.

و همچنین آیات ۱۸ تا ۴۴ سوره نمل که آیات ۱۸ و ۱۹ به داستان مواجهه سلیمان با مور

و پس از آن تا آیه ۴۴ به داستان سلیمان و بلقیس اشاره دارد.

روابط بینامتنی: آیات با توجه به متن پیشین در خصوص جلال و جبروت بی‌بدیل اعطا شده به سلیمان از سوی خداوند هم‌چون فرمانبرداری انس و جن و پرندگان و باد از او سروده شده است. هم‌چنین در آیات، اشاره پنهان به ناچیزی جلال و جبروت سلیمان در برابر قدرت الهی شده که مواجهه مور و سلیمان بیانگر آن است. بیت سوم طرح ماجرای میان بلقیس ملکه سرزمین سبا و سلیمان است.

شق القمر؛ معجزه‌ای دیگر

متن حاضر:

- آنکه از جلوه رخسار چو ماهت پیش است بی گمان معجزه شق قمر باید کرد

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۷۹)

متن پیشین:

- «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ اَنْشَقَّ الْقَمَرُ» (قمر: ۱).

- قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت.

روابط بینامتنی: علاوه بر قرآن که معجزه جاوید پیامبر اسلام (ص) بوده، بنا به مصلحت، معجزات دیگر نیز از سوی پیامبر اسلام برای اثبات حقانیت رسالت وی ارائه گردیده است. یکی از این معجزات حادثه دو نیم شدن ماه و سپس بازگشت به حالت اولیه در برابر چشمان مشرکان به درخواست پیامبر از خداوند است. این معجزه که به «شق القمر» معروف گردیده، هر چند از جانب پیامبر به مشرکین ارائه شده لیکن موجب تغییر در دل سیاه مشرکین نشده و این واقعه را بر اساس روایات، نوعی سحر قلمداد کرده‌اند.

در این بیت، امام نگاهی تمثیل وار به معجزه شق القمر و وجود و جلوه روی نگار دارد که برای دیدن آن جلوه، باید دست به کاری سترگ همچون شق القمر بزند و یا به تعبیری دیگر قصد مقایسه تمثیل وار دو موضوع جلوه معشوق و معجزه شق القمر دارد. شاید هم چهره محبوب به ماه تشبیه شده و ترکیب شق قمر در معنای غیر واقعی خود به کار گرفته شده است.

شیطان و سر برنافتن از سجده به آدم

متن حاضر:

- شیطان عالم شدی اگر بدین نور ناگفتی آدم است خاک و من آذر

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۵۴)

متن پیشین:

- «وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّاۤ اِبْلِیْسَ قَالَ اَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيْنًا» (اسراء: ۶۱).

- و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید» پس [همه] جز ابلیس سجده کردند. گفت: «آیا برای کسی که از گل آفریدی سجده کنم؟»
- «قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِيْ مِنْ نَّارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِيْنٍ» (ص: ۷۶).
- گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای.»
همچنین آیه ۱۲ سوره اعراف.

روابط بینامتنی: بیت امام اشاره پنهانی به سجده نکردن شیطان به ساحت آدم دارد. هنگامی که خداوند از روح خود در کالبد خاکی انسان دمید تا جان گیرد، به همه فرشتگان امر کرد تا بر ساحت آدم سجده کنند. بر اساس آیات صریح قرآن همه فرشتگان سجده کردند جز شیطان که از جنس جن بود و از آتش که به صراحت در آیات ۱۲ اعراف، ۶۱ اسراء و ۷۶ سوره ص بیان شده است. شیطان به خداوند عرض کرد که من از انسان بهترم و دلیل برتری خود را ساخته شدن خود از آتش و انسان را از خاک بیان داشت. شیطان به فرمان خداوند از آسمان‌ها و صفوف ملائکه خارج شده و رانده شده درگاه الهی گردید. بر اساس آیه ۷۸ سوره ص خداوند به شیطان فرمود: مسلماً لعنت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود.

عیسی و دم الهی آن حضرت

متن حاضر:

- دلبر مشکل گشا از بام چرخ چارمین بادم عیسی برای حل مشکل آمده

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۷۸)

متن پیشین:

- «و رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبَيِّنُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۴۹).

- و [او را به عنوان] پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می فرستد، که او به آنان می گوید: [در حقیقت، من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌ای آورده‌ام: من از گِل برای شما [چیزی] به شکل پرنده می سازم، آنگاه در آن می دمم، پس به اذن خدا پرنده‌ای می شود؛ و به اذن خدا نابینای مادرزاد و بیس را بهبود می بخشم؛ و مردگان را زنده می گردانم؛ و شما را از آنچه می خورید و در خانه‌هایتان ذخیره می کنید، خبر می دهم؛ مسلماً در این [معجزات]، برای شما -اگر مؤمن باشید- عبرت است.]

روابط بینامتنی: این بیت امام خمینی بینامتنیت دارد با دم مسیحایی عیسی بن مریم در متن پیشین که به اذن خداوند مردگان را زنده می کرد. بر این اساس یکی از معجزه‌های حضرت عیسی^(ع)، علاوه بر معجزه‌های دیگر که در متن پیشین ذکر گردیده است زنده کردن مردگان بود که این امر به دست ایشان و اذن پروردگار صورت می گرفته است.

معراج پیامبر**متن حاضر:**

۱. گر تو آدم زاده هستی، عَلمَ الاسما چه شد قاب قوسینت کجارفته است، او آدنی چه شد

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۹۴)

۲. رسد جانم به فوق قاب قوسین که خورشید شب تارم تو باشی

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۸۱)

متن پیشین:

- «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسراء: ۱).

- منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصى - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد، تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست.

- «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» (نجم: ۹).

- تا [فاصله‌اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد.

روابط بینامتنی: در شعر امام خمینی بینامتنیت ضمنی و رابطه هم حضوری روایت شب معراج پیامبر با قرآن آشکار است. بنا به روایت قرآن، خداوند بنده خالص خود را در شبی مبارک از مسجدالحرام به مسجدالاقصی برده و از آنجا برای نمایاندن اسرار آفرینش به آسمان‌ها برد. در این سفر جبرائیل همراه و راهنمای پیامبر در هفت آسمان بود و به معرفی اشخاص، مکان‌ها و اتفاقات می‌پرداخت. پیامبر به اذن خداوند به قدر قاب قوسین (فاصله دو کمان) به خداوند نزدیک شد و به گفتگو نشست؛ اما جبرائیل، فرشته مقرب الهی، این رخصت را نیافت و پیامبر تنها روانه به هم کناری حق گردید.

موسی و تجلی وحی

متن حاضر:

۱. عیب از ما است اگر دوست زما مستور است دیده بگشای که ببینی همه عالم طور است

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۵۲)

۲. موسی اگر ندید به شاخ شجر رخس بی شک درخت معرفتش را ثمر نبود

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۰۷)

۳. غمزه ات در جان عاشق بر فرزند آتشی آنچنان کز جلوه‌ای با موسی عمران نمود

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۱۵)

۴. گر طور ندیدم و نخواهم دیدن در طور دل از تو جای پائی خواهم

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۶۱)

۵. ایمنی نیست در این وادی ایمن ما را من در این وادی ایمن، شجری می جویم

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۶۹)

۶. جلوه کن در جبل قلب من ای یار عزیز تا چو موسی بشود زنده دل غافل من
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۷۴)
۷. طور سینا را بگو ایام صعق آخر رسید موسی حق در پی فرعون باطل آمده
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۷۸)
۸. موسی نشده کلیم کی خواهی شد در طور رهش مقیم کی خواهی شد
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۰۸)
۹. تا جلوه او جبال را دک نکند تا صعق تو را زخویش مُتدک نکند
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۱۰)
۱۰. طور و شجر است و جلوه روی نگار یاران! این است حاصل درویشان
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۲۹)
۱۱. دک کن جبل خودی خود چون موسی تا جلوه کند جمال او بی ارنی
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۴۶)
۱۲. ای موسی صعق دیده در عشق از جلوه طـور لـامکـانی
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۸۹)
۱۳. ای اصل شجر ظهوری از تو در پرتو سـر سـرمدانی
(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۸۹)

متن پیشین:

- «فَلَمَّا آتَاهَا نُودِيَّ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (قصص: ۳۰)
- پس چون به آن [آتش] رسید، از جانب راستِ وادی، در آن جایگاه مبارک، از آن درخت ندا آمد که: «ای موسی، منم، من، خداوند، پروردگار جهانیان.»
- «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَ لَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۱۴۳).
- و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا،

خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم.» فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید، لیکن به کوه بنگر؛ پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا خواهی دید.» پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود، آن را ریز ریز ساخت، و موسی بیهوش بر زمین افتاد، و چون به خود آمد، گفت: «تو منزهی! به درگاهت توبه کردم و من نخستین مؤمنانم.»

همچنین آیه ۲۹ سوره قصص.

روابط بینامتنی: این ابیات رابطه بینامتنیت با آیات ۲۹ و ۳۰ قصص و همچنین ۱۴۳ اعراف دارند. در این ابیات عناصری همچون: طور یا طور سینا، شجر، آتش، جلوه، وادی ایمن، جبل، فرعون، کلیم، دک، صعق و ارنی به کار گرفته شده که در همه آن‌ها می‌توان ریشه قرآنی را یافت. همچنین متن حاضر همگی فشرده شده داستان موسی و موضوعات وادی ایمن، طبق روایت قرآن است و به گفتگوی میان موسی و خداوند می‌پردازد که در آیه ۱۶۴ سوره نساء به آن اشاره شده است. نیز به استناد آیه ۳۰ سوره قصص وحی بر موسی با واسطه درخت به وی نمودار شد. ابیات متن حاضر نگاهی به اعراف هم دارد که «دیدن خداوند تقاضای جاهلانۀ بنی اسرائیل بود که از موسی می‌خواستند که خدا را با چشم سر به آنان نمایاند ... و آن کافران غافل بودند که هرگز چشم سر توان دیدن خداوند را ندارد ... بلکه باید خدا را با چشم دل دید و به او ایمان آورد» (قرآنی ۱۳۹۷ ج ۳: ۱۶۷).

موسی و عصای آن حضرت

متن حاضر:

- موسی به کف دارد عصا، دربانیش را منتظر آماده بهر اقتدا، عیسی به چرخ چارمین

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۶۱)

متن پیشین:

- «وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَ لَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ» (قصص: ۳۱).

- و [فرمود:] «عصای خود را بیفکن.» پس چون دید آن مثل ماری می‌جنبد، پشت کرد و برنگشت. «ای موسی، پیش آی و مترس که تو در امانی.»

- «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ» (شعراء: ۳۲)

- پس عصای خود بیفکند و بناگاه آن اژدری نمایان شد.

روابط بینامتنی: ایات امام فشرده شده روایت قرآن در آیه‌های مزبور و هم‌چنین آیه‌های ۴۵، ۴۶، ۶۳ شعراء و ۶۰ بقره است. به استناد آیات قرآن، عصای آن حضرت به اذن و اراده خداوند به شکل‌های گوناگون درآمده است. یک وقت به زمین می‌زند و سائل دروغین ساحران را می‌بلعد (شعراء: ۴۵)، گاه دیگر به دریا می‌زند دریا شکافته می‌شود (شعراء: ۶۳) و وقتی دیگر بر سنگ مخصوص می‌زند و از آن سنگ دوازده چشمه برای قوم خود به جوش می‌آورد (بقره: ۶۰).

نوح و ساخت کشتی

متن حاضر:

۱. گر نوح زغرق سوی ساحل ره یافت این غرق شدن همی بود ساحل ما

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۴۴)

۲. غم‌مخورای غرق دریای مصیبت، غم‌مخور در نجات نوح کشتیان بساحل آمده

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۷۸)

۳. عاشقم عاشق که درد عشق را جزا نداند غرق بحر عشقم و چون نوح پشتیان نبودی

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۸۰)

۴. حبّش سفینه نوح آمد در مثل، لیکن اگر مهرش نبودی نوح را می‌بود با طوفان قرین

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۶۰)

۵. از سرشکم گر به پا خیزد ز نو طوفان نوح ای خدایا! ناخدا اندر میانه رهبر است

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۹۸)

متن پیشین:

- وَ هِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ اِذْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ (هود: ۴۲).

- و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد، و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ درداد: «ای پسرک من، با ما سوار شو و با کافران مباش.»

روابط بینامتنی: نوح از پیامبران الهی بود که ۹۵۰ سال نبوت کرد و از جانب پروردگار

مأمور ارشاد قومش شد. نوح به امر خداوند قوم خویش را به یکتاپرستی دعوت کرد و لیکن آنان نپذیرفتند و لجاجت به خرج دادند. سرانجام پروردگار، نوح را به ساخت کشتی امر کرد (هود: ۳۷) تا صالحین را نجات و مشرکان را در ورطه بی‌پناهی به هلاکت کشاند. خداوند برای آن که نسل بشر و حیوانات به فنا نرود دستور داد تا از هر جفتی از حیوانات (نر و ماده) یک زوج و همچنین خاندان وی مگر آن‌ها که قبلاً وعده هلاکشان داده شده بود (همسر و یکی از فرزندان وی) و البته مؤمنان در آن کشتی حمل شود (هود: ۴۰).

سرانجام وعده الهی محقق شد و عذاب به صورت آب و طوفان مشرکان را درگرفت و از بین برد. در پایان خداوند به زمین دستور داد که آبت را فرو ببر و به آسمان نیز که خودداری کن و در نهایت کشتی بر دامنه کوه جودی پهلو گرفت (هود: ۴۴). «داستان حضرت نوح به طور تفصیل در سوره‌های اعراف، هود، مؤنون، شعراء، قمر و نوح آمده و مفصل‌ترین آن در سوره هود از آیه ۲۵ تا ۴۹ است» (قرآنی ۱۳۹۷ ج ۱۰: ۲۲۸).

در ابیات امام خمینی نوح نمادی از حامی، پشتیبان و دستگیری است که سالکان طریق حق را از غرق شدن در دریای مصیبت و گرفتاری در طوفان حوادث نجات می‌دهد و آن‌ها را به ساحل آرامش می‌رساند.

هبوط انسان و خروج از بهشت

متن حاضر:

۱. خواست شیطان بد کند با من ولی احسان نمود / از بهشتم برد بیرون بسته جانان نمود

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۱۵)

۲. خواست از فردوس بیرونم کند خوارم کند / عشق پیدا گشت و از ملک و مملکت پُران نمود

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۱۵)

متن پیشین:

- «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۳۵).

- و گفتیم: «ای آدم، خود و همسرت در این باغ سکونت گیر [ید]؛ و از هر کجای آن خواهید فراوان بخورید؛ و [لی] به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود».

روابط بینامتنی: ابیات امام خمینی بینامتنیت و هم حضوری دارند با موضوع هبوط انسان و خروج او از بهشت به دلیل استفاده از میوه ممنوعه که از خوردن آن منع شده بود. بر اساس آیات: ۳۵ تا ۳۸ بقره، ۱۹ تا ۲۴ اعراف و ۱۱۷ و ۱۲۰ طه انسان با وسوسه شیطان از میوه ممنوعه خورد و برهنه از بهشت اخراج شد (اعراف: ۲۷ و طه: ۱۲۱). امام خمینی با نگاهی عارفانه بدی شیطان را خوبی ناخواسته دانسته و هبوط انسان به زمین را به صلاح وی بیان داشته است؛ چرا که انسان پس از مهجوریت بیشتر خواستار قرب الهی گشت.

یوسف و زلیخا

متن حاضر:

۱. معجز عشق ندانی تو زلیخا داند که برش یوسف محبوب چنان زیبا شد

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۸۹)

۲. یوسفی باید که در دام زلیخا دل نیازد ورنه خورشید و کواکب در برش مفتون نداند

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۹۸)

۳. دلدار من چو یوسف گمگشته بازگشت کنعان مرا ز روی دل ملتهب رسید

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۱۹)

۴. یوسفم گر نزنند بر سر بالینم سر همچو یعقوب دل آشفته بویش باشم

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۵۳)

۵. جام می ده که در آغوش بتی جا دارم که از آن جایزه بر یوسف کنعان بدهم

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۶۲)

۶. یوسف از چاه بیرون آی تا شاهی نمایی گرچه از این چاه بیرون آمدن آسان نبود

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۱۸۰)

۷. ناز پروردی که در بازار حُسن و دلبری قیمت یک طاق ابرویش ز یوسف برتر است

(امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۹۸)

متن پیشین:

- «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي

ساجدین» (یوسف: ۴).

- [یاد کن] زمانی را که یوسف به پدرش گفت: «ای پدر، من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم [آنها] برای من سجده می‌کنند.» همچنین آیات ۵ تا ۱۰۱ سوره یوسف.

روابط بینامتنی: داستان یوسف یکی از داستان‌های پر رمز و راز قرآن است که در آن حکمت‌های فراوان وجود دارد. خداوند در قرآن یک سوره کامل به نام یوسف قرار داده و در خصوص سرگذشت وی از کودکی تا عز و جاه سخن به میان آورده است. «نام حضرت یوسف ۲۷ مرتبه در قرآن آمده که ۲۵ مرتبه آن در همین سوره است» (قرآنی ۱۳۹۷ ج ۴: ۱۴۳). معجزه عشق، زیبایی، دامی که به اراده خداوند برای یوسف خنثی می‌شود، صبر جمیل یعقوب و از چاه به جارسیدن، برخی از عناصری از داستان یوسف هستند که دستمایه شعری امام خمینی شده‌اند.

بر اساس بیت اول و دوم آن زن (زلیخا) که یوسف در خانه او زندگی می‌کرد از یوسف تمنای کامجویی کرد. درها را بست و گفت: بیا به سوی آنچه برای تو مهیاست. و در اینجا بود که یوسف پناه به خداوند برد (یوسف: ۲۳) و اگر یوسف برهان پروردگار را نمی‌دید چه بسا قصد وی می‌کرد (یوسف: ۲۴).

بیت چهارم بینامتنیت و هم‌حضور پنهان با آیات ۹۳، ۹۴ و ۹۶ سوره یوسف دارد. یوسف پیراهن خود را به برادران داد تا نزد پدر ببرند و بر صورت پدر بیندازند (یوسف: ۹۳) و آن گاه که کاروان از سرزمین مصر جدا شد یعقوب بوی پیراهن یوسف را احساس کرد (یوسف: ۹۴) و البته به هنگامی که پیراهن بر صورت او افکنده شد ناگهان بینا شد (یوسف: ۹۶).

بیت ششم بینامتنیت با آیات ۱۰ و ۱۵ سوره یوسف دارد که برادران در اقدام شوم خود قصد می‌کنند یوسف را نکشند، بلکه در نهان گاه چاهی بیفکنند تا توسط کاروانیان یافت و به مکانی دور برده شود. در این بیت امام خمینی علاوه بر بینامتنیت، یک نوع تمثیل تلمیحی نیز ملاحظه می‌گردد.

نتیجه‌گیری

- بررسی کلام منظوم امام خمینی نشان از آن دارد که وی بیشتر اشعار خود را به تأسی از آیات و قصص قرآن سروده که این از شاخصه‌های معنوی شعری و شخصیتی وی

محسوب می‌گردد. همچنین وی با استفاده از آیات و قصص قرآن سعی نموده است اهداف والای عرفانی خود را با رویکرد دینی و قرآنی نمایان کند.

- تلمیح یکی از زیر شاخه‌های بینامتنیت ضمنی است که امام خمینی به خوبی توانسته است فهم بهتر موضوعات و داستان‌های گرانمایه قرآنی را با این رویکرد به شیفتگان طریق حق منتقل کند.

- امام شاعر نبوده و خود نیز بر آن اعتراف و اذعان داشته است، لیکن در حد توان به خوبی توانسته شرح مهجوری و دلدادگی خود را در قالب‌های متفاوت شعری از جمله غزل بیان نماید.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آذر، امیر اسماعیل. (۱۳۹۴) **قرآن در شعر پارسی**، تهران: انتشارات سخن.
- آلن، گراهام. (۱۳۹۷) **بینامتنیت**، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز، چاپ ششم.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۳) **دیوان امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ شصتم.
- بهزادی اندوهجردی، حسین. (۱۳۷۳) **سیری در بدیع**، تهران: نشر صدوق.
- جزایری، سید نعمت‌الله. (۱۳۹۶) **قصه‌های قرآن و انبیاء**، قم: انتشارات کتاب جمکران، چاپ پنجم.
- جمشیدیان، همایون. (۱۳۹۳) «تحلیل غزلی از مولوی بر مبنای رویکرد بینامتنی به قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال دوم، صص ۲۷-۴۷.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲) **تسنیم**، تفسیر قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء.

- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد. (۱۳۹۰) **دیوان حافظ**، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: انتشارات زوار، چاپ دهم.
- حبیبی، ابوالفضل. (۱۳۸۷) «بررسی دیوان اشعار امام خمینی^(ره) و تحلیل تلمیحات آن»، **ماهنامه کتاب ماه ادبیات**، شماره ۱۴، پیاپی ۱۲۸، صص ۳۷-۴۷.
- داد، سیما. (۱۳۹۵) **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، تهران: انتشارات مروارید، چاپ هفتم.
- سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۷۳) **کلیات سعدی**، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات نگاه.
- سلطانی رنانی، مهدی. (۱۳۸۸) «تجلیات معارف قرآنی در دیوان اشعار امام خمینی»، **مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی^(ره)**، صص ۳۴۹-۳۶۵.
- قرائتی، محسن. (۱۳۹۷) **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ سیزدهم.
- کرمی، موسی؛ حسینعلی قبادی؛ ناصر نیکوبخت و غلامحسین غلامحسین زاده. (۱۳۹۲) «تحلیل بینامتنی داستان مار و مرد سیمین دانشور»، **فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی**، سال اول، شماره ۳، صص ۳۷-۴۸.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۴) **در آمدی بر بینامتنیت (نظریه‌ها و کار بردها)**، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم.
- _____. (۱۳۹۵) **بینامتنیت (از ساختار گرای تا پسا مدرنیسم)**، تهران: انتشارات سخن.
- _____. (۱۳۸۶) «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، **پژوهشنامه علوم انسانی**، شماره ۵۶، صص ۸۳-۹۸.
- نجم الدین رازی. (۱۳۷۵) **مرصاد العباد**، به تصحیح محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات علمی، چاپ نهم.
- Allen, Graham. (2018) *Intertextuality, translated by Payam Yzdanjoo*, Tehran: Nashr-e markaz publication, sixth edition. (In Persian)
- Azar, Amiresmaeil. (2015) *Quran in Persian Poetry*, volume 1, Tehran: Sokhan publication. (In Persian)
- Behzadi-e Andoohjerdi, Hossein. (1995) *A journey in Innovation*,

Tehran: Saduq publication. (In Persian)

- Dad, Sima. (2017) *Dictionary of literary terms*, Tehran: Morvarid publication, seventh edition. (In Persian)
- Habibi, abolfazl. (2008) "Examining the Diwan of Imam Khomeini's poems and Analyzing its Allusion, *Ketab-e Mah-e Adabiat monthly*, Issue 14, volume 128, pages 37-47. (In Persian)
- Hafez, Shamsuddin Mohammad. (2011) *Diwan-e Hafez*, edited by Qazvini, Mohammad and Ghani, Qasem. Tehran: Zavar publishment, tenth edition. (In Persian)
- Jamshydian, Homayoun. (2014) "An Analysis of Movali's Sonnet with a Quranic Intertextual Perspective", *Quarterly scientific Journal of Quranic literary researches*, volume 2, pages 27-47. (In Persian)
- Javadi-e Amoli, Abdollah. (2014) *Tasnim, exegesis of holy Quran*, volume 31, Qom: Nashr-e Asra publication. (In Persian)
- Jazayeri, Seyyed nematollah. (2017) *Tales of Quran and prophets*, Qom: Jamkaran publication, fifth edition. (In Persian)
- Karami, Mousa; Hossein Ali Qobadi; Naser Nikubakht; and Gholamhossein Gholamhosseinzadeh. (2013) "Intertextual Analysis of Daneshvar's Mar-o Mard, *Quarterly Journal of Fiction Studies*, volume 1, issue 3, pages 37-48. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah. (2014) *Diwan-e Emam*, Tehran: Imam Khomeini publication, sixtieth edition. (In Persian)
- Najm al-Din Razi. (1997) *Mersad al- Ebad edited by Ryahi*, Mohammad Amin, Tehran: Elmi publication, ninth edition. (In Persian)
- Namvar-e Motlaq, Bahman. (2007) "Transtextuality, Study of Relations Between One Texts", *Quarterly Journal of Human Science*, issue 56, pages 83-98. (In Persian)
- _____. (2015) *An Introduction to Intertextuality (theories and usages)*,

- Tehran: Sokhan publication, second edition. (In Persian)
- _____. (2016) *Intertextuality (rom structuralism to post-modernism)*, Tehran: Sokhan publication. (In Persian)
 - Qaraati, Mohsen. (2019) *Tafsir-e Noor*, Tehran: Center of Cultural lessons from Quran, thirteenth edition. (In Persian)
 - Saadi, Mosleh bin Abdullah. (1995) *Kulliat-e Saadi*, edited by Foroughi, Mohammad Ali. Tehran: Nashr-e Negah publication. (In Persian)
 - Soltani-e Renani, Mahdi. (2009) "Manifestations of Quranic Knowledge in Imam Khomeini's poetry diwan", *Proceedings of Imam Khomeini's Thoughts Conference*, volume 1, pages 349-365. (In Persian)

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی